

- ۱- قانون بنی نوح - مقصدی برای تاریخ های همسو
- ۲- پیش زمینه ای در باب تلاشهای بعمل آمده
- ۳- چگونه توضیحات عملی قوانین بنی نوح تعیین شده است
- ۴- نحوه استفاده از این کتاب
- ۵- چگونه از طریق نشر این پیام، گذشته ارتقاء می یابد

قانون بین نوح

۱ + - پروردگار را ستایش کنید همگی شما ملتها ؛ تمجید کنید او را همه شما مردم

۱ - ۴ - از آنجا که رحمت او بر ما سیطره داشت و از آنجا که حقیقت پروردگار ابدی است ستایش کنید خداوند را (مزمور ۱۱۷)

این کوتاه ترین مزامیر تنها شامل دو آیه است ، دو آیه ای که در کنار هم تمام بشریت را احاطه می کند . آیه یک شامل تمام غیر یهودیان و آیه دو احاطه کننده بر تمامی یهودیان است. این دو آیه مانند دو بردار هستند که در تصویر خداوند در میان آفرینش با هم تلاقی می کنند و این دو آیه تا ابد در یک نقطه که توحید است به هم ملحق می شوند ، که این توحید به مفهوم وحدت شهودی و جوهره پروردگار است . این نقطه وحدت به راحتی قابل احساس و ادراک نیست و این مسئله همواره در بیشترین تاریخ جنجالی جهان به همین منوال بوده است . در عین حال ، در یک زمان و مکان معیین ، این نقطه وحدت به شکل اعجاز آمیز و آشکارا توسط نفس خالق هستی بر ملا شد . خداوند این تصمیم را بر مبنای حکمت خود اتخاذ کرد تا همه فرزنداناش یعنی بشریت ، بتوانند بدانند و باور کنند ، به خاطر بیاورد و در قلب خویش محفوظش بدارد تا زمانی که دوران مسیحاییی فرا رسد هنگامی که دوران مسیحاییی فراسد چنین میشود ، چون ما برای این مسئله آمادگی خواهیم داشت - بعبارت الهی - آمادگی پذیرش خداوند بعنوان پادشاه سراسر

هستی خواهیم داشت . چنین پدیدار شدن بنیادینی تنها نیازمند به این است که یکبار بوقوع بپیوندد اگر این اتفاق بگونه ای انکار ناپذیر مشاهده و ثبت شده باشد ، و به امر خداوند برای نسل های بعد حفظ شده باشد. این آشکار شدن در کوه سینا به سال عبری ۲۴۴۸ (1312B.C.E) یعنی ۱۳۱۲ سال قبل از دوران مشترک بوقع پیوست.

صفحه ۲۰

در آن هنگام صدای پروردگار ، نام پروردگار و وحدانیت او به شکل واضحی بر ملا گشت . لیکن خداوند ، بنابر حکمت خود صلاح دانست که از آحاد ملت شاهد ، یعنی یهودیان ، قابلیت و توانایی ادامه زندگی تحت شدت تاثیر این تجلی برداشته شود ، در عوض ، او موسی (موشه عبری) را بعنوان پیامبر خود برگزید تا فرامین او را دریافت و به نسل های آینده منتقل کند (Deut.21-28) . این فرآیند شامل خلاصه کردن و گنجاندن حکمت ملکوتی خود بصورت نوشتاری نیز می شد ، بگونه ای که حکمت پروردگار را بتوان با وجود محدودیت ذهن بشر دریافت و درک کرد . این مدرک نوشتاری ، یعنی ۵ کتاب موسی را خداوند تورات نامید که مفهوم آن تعالی است . خداوند این ۵ کتاب را بهمراه توضیحاتش بعنوان یک ارث جاودانه برای یهودیان بمیراث گذاشت (Deut.33:4) . همراه با این هدیه مسئولیتی عظیم نیز بعده نهاده شد زیرا تورات نه تنها ۶۱۳ فرامین آیین یهود را مشخص می کند (که ده فرمان موسی بخشی از آن است) ، بلکه آن شامل هفت فرمان بنی نوح است که شامل تمام غیر یهودیان نیز می شود که آن را خداوند ۱۶ نسل پیش از آن به نوح عنایت کرد . همراه با ارتقای یهودیان به داشتن ملتی در سرزمین اسرائیل ، ملت های دیگر مخصوصا آنان که تصمیم به مقاومت در سرزمین مقدس گرفتند ، به آگاهی از هفت قانون نوح برگشتند . همانگونه که یهودیان درگیر موفقیتها و شکست های خود در چهار صد و چهل سال پیشتر و چهارصد و ده سال بعد بودند، ساختمان اولین معبد مقدس که توسط سلیمان پادشاه ساخته شده بود و جلوه گر قانون بنی نوح در ملت های دیگر بشمار می رفت ، جلا یافته و سپس محو شد .

در طی دوران دومین معبد مقدس (بین سالهای ۳۷۰ قبل از دوران مشترک و ۷۰ بعد از دوران مشترک) حرکت بزرگی بنام " پرسایان از خداوند" در امپراتوری رم فعال بود. اینان غیر یهودیانی بودند که به خداوند یگانه اسرائیل گرویده بودند ، کسانی که وفا داری مذهبی خود را به آموزه های یزرگان آیین یهود و معبد مقدس معطوف کرده بودند. تقریباً غیر ممکن است که منابعی غیر مغرضانه در باب این مطلب خارج از تلمود یا میدراش بیابیم، چنانچه پس از تخریب معبد ، این غیر یهودیان مقید به تورات آماج حملات عمده ای برای اعمال کنندگان مذهب اساسطیر پرستی رومیان، و بعدها فعالیت‌های موسیونری مذاهب ابداعی که بر سر قدرت مقدسی که توسط آیین تورات مقرر شده به رقابت پرداختند. بهترین مرجع غیر توراتی در مورد "ترسایان خداوند" را می توان در نوشته ای جزفوس^۱ یافت.

پس از تخریب دومین معبد و اخراج یهودیان در بین ملت های تحت تاثیر ادیان ضد یهود لازم می نمود تا نور و پیمان جاودانه قانون بنی نوح بوسیله عقلا و حکمای یهود از طریق مکتوب کردن تورات شفاهی پاسداشت و نگهداری گردد . اگر بخاطر پیشگویی های برگرفته از کتاب مقدس ، صلح جهانی بازگشت به پیروی از دستورات تورات که در دوران مسیانیک رخ می دهد نبود احکام و تصمیمات بر مبنای تورات و مباحث علمی در مورد وظایف آسمانی غیر یهودیان در طول قرن‌ها بصورت صرفاً آکادمیک باقی میماند .

بغیر از خاخام الیجاه (۱۸۲۳ تا ۱۹۰۰) در فرانسه که واژه بنی نوح یا نوآهاید را در توصیف بجای آورندگان فرامین هفت گانه نوح اختراع کرد هیچ نوشته معاصر در مورد قانون بنی نوح خطاب به دنیای غیر یهود وجود نداشت . با این وجود که خاخام لوبوویچ، خاخام مناخمن مندل ایشنیرسون (۱۹۰۲ تا ۱۹۹۴) از ابتدای دوران رهبری اش در سال ۱۹۵۱ شروع به صحبت به نکات ریزی از قانون بنی نوح نمود ، اما وی بطور غیر مترقبه ای از دهه ۱۹۸۰ فراخانی فوری به ملت های جهان داد تا فرامین هفتگانه خود را بجای آورند وی

¹ Josephus